

گفتید که : " من از " میثاق " شاهزاده حمایت می کنم " ...

محمد ایل بیکی

نادره خانم ، بادرودهای گرم !

گفتید که : " من از " میثاق " شاهزاده حمایت می کنم " . که افتخار بر شما باد و درعین حال ننگ بر شما باد !

شما و من ، گویا ، در دوخط موازی ، یکراه کج دار و مریز را پیموده ایم و هر دو از سزخوردگانیم ! شما برای رهائی از خفت هائی که هردو کشیده ایم ، از مدتها پیش ، شروع کرده اید همچون " حسن تقی زاده " به نفی همه چیز و می دانیم که آخر و عاقبت " آقا " پیش به کجا کشید - زبانم را هزارها بار گاز می گیرم اگر بخواهم بگویم که شما هم ار " سنا " و " ریاست " اش سر در خواهید آورد ! استغفرالله و استغفرالله !

شاید که عادت‌مان شده است که از آنانی که بر ما درد روا داشته اند ، بخواهیم به نوعی " انتقام " بگیریم و دخیل به بندیم بر اضعادشان و خالی کنیم " ته دل‌مان " را ! اما " مادر " هم سن و سالم ، این نیست راه حل !

آنان که نوشته های شمارا بیشتر از نوشته های من خوانده اند ، هم دردی‌مانمان بودند و هم نفرت‌مان از " کثافت گویان " خواهند خواند و شاید نمی توانند درک کنند که ما چه ها که نکشیده ایم ! بروم از ورای ایرانی مان و بگویم که " عزیزم ! " ، اینچنین خوار و ذلیل شده ایم که پس از شاه و شیخ ، دوباره می توانیم شاه خواه شویم !!!

اگر بدان بدند و بدند و بدند ، آیا باید رو و سو به کسانی کرد که اگر نه ذاتا بد ، اما در شیوه و اندیشه بد ، کرد ؟ " مادر " هم سن و سالم ، لختی درنگ کنید !

می خواستم ، " تفحصى " در نوشته تان کنم و نقل قول‌هائی و ... و نکردم و بهتریدیم که نوشته تان در زیر بیاورم .

اجازه بدهید که روی ماه ندیده تانرا ببوسم :

محمد ایل بیکی - ۲۱ بهمن ۸۱

در شرایط ویژه‌ای به سر می‌بریم. دنیای دو قطبی دو دهه پیش در هم پیچیده شده است. شوروی سوسیالیستی به دلیل عدم باورش به حقوق انسان‌ها همچون يك مجسمه‌ی مقوایی فرو ریخته است. تمام جریان‌هایی که مقبولیت دیدگاهی‌شان را از توان نظامی/سیاسی حاکمان کشور شوراها می‌گرفته‌اند، خود به بن بست رسیده‌اند. چین کمونیست در حال پوست انداختن است. شعارها و

تئوري‌هاي اين دسته حاکمان ایدئولوژیک، در تداوم خواست اساسي انسان‌ها براي برخورداری از امنیت، آزادي، دموکراسي و مردم‌سالاري روز به روز بیشتر رنگ مي‌بازد. تمام جريان‌هايي که مدعي نوعي حکومت عقیدتي و ایدئولوژیک هستند، از تاب و توان افتاده‌اند. کارنامه‌ي هفتاد ساله‌ي حکومت K.G.B. چیزی جز تحدید و تهدید شهروندان کشورهاشان نبوده است. این حکومت‌ها در برابر خواست شهروندان بلوک پیشین شرق سوسیالیستی از هم گسیخته و متلاشي شده‌اند. ملت‌ها رشد کرده‌اند. دیگر هیچ ملتي را نمی‌توان در چنبره‌ي حکومت‌هاي عقیدتي و ایدئولوژیک، از حق حیاتي امنیت، آزادي، برابري حقوقي بین همه‌ي شهروندان و از همه مهم‌تر رفاه محروم کرد.

طشت حکومت عقیدتي اسلامي نیز از بام افتاده است. دوراني که می‌شد ملتي را در چنبره‌ي فریب، با یاری گرفتن از جهل ایشان، با شعارهاي نظیر "اعدام باید گردد" یا "خمیني عزیزم، بگو تا خون بریزم" به میدان کشاند، گذشته است. ۲۵ سال حکومت تروریسم دولتي اسلامي به بن بست رسیده است. ملت ایران از مرگ و جنگ و هوار و شعار و سنگسار و اعدام و زندان و کشتار و شکنجه به ستوه آمده است. ملت ایران از این که باورهاي دینی‌اش، دکان دجالیت روحانیت تشیع قرار گرفته است، در اساس دین و مذهبش هم به شک افتاده است. حکومت ۲۵ ساله‌ي این روحانیت به ملت ایران و تمام دنیا نشان داده است که بهشت ادعای این حکومتگران نه در این دنیا که در ناکجا آباد جهانی دیگر به ایشان نوید داده می‌شود. کشتي شعارهاي دبستانی پرزیدنت سید محمد خاتمي و طرح اصلاحات از بالای حکومت اسلامي هم به گل نشسته است. زنان ما دریافته‌اند که در حکومت‌هاي اسلامي - چه مدرن و چه از مد افتاده - هیچ چشم اندازی برای به رسمیت شناخته شدن حقوقشان ندارند. دگراندیشان ایرانی دریافته‌اند که در حکومت‌هاي اسلامي وعده داده شده از سوي طیف‌هاي گوناگون ملي/مذهبي همچنان شهروند درجه دو باقی خواهند ماند. ایرانیان دریافته‌اند که حاکمان اسلامي در اصول اساسي دینشان مبنی بر نابرابري‌هاي حقوقي اسلامي بین شهروندان نمی‌توانند دستکاري کنند. هنرمندان ایرانی دریافته‌اند که با وجود چنین جريان‌هايي در حاکمیت، همچنان از بیان آزادانه‌ي اندیشه‌هاشان ممنوعند. ایرانیان دریافته‌اند که رسمیت دادن به يك مذهب در قانون اساسي يك کشور، مبنای بیشتر نابرابري‌هاي است که زیر این عنوان بر شهروندان کشورشان تحمیل می‌شود. ملت ایران دریافته است که با فلسطینیزه کردن سیاست حاکمان کشورشان، دولت‌هاي ایدئولوژیک شیعی یا کمونیستی نمی‌توانند از یاری رساندن به چنبره‌ي تروریسم حاکم بر فضای خاورمیانه کوتاه بیایند. ملت ایران دریافته است که آزادي‌هاي اجتماعي‌شان، از قبیل حق آزادانه‌ي انتخاب پوشش و کوشش‌هاشان برای دست یابی به حداقل‌هاي حقوقي انساني تصریح شده در بیانیه‌ي جهانی حقوق بشر، از سوي این گونه حاکمان عقیدتي همواره سرکوب می‌شود. ملت ایران دریافته است که زیر چتر يك حکومت عقیدتي - از هر طیفش - امنیت اجتماعي/سیاسي/عقیدتي‌اش همیشه و هر لحظه به تاراج می‌رود. زنان ایران دریافته‌اند که زیر عنوان حکومت‌هاي اسلامي، تعدد زوجات، فحشاي اسلامي [صیغه و متعه] ازدواج اجباري کودکان نابالغ با مردان کلانسال، شکنجه‌ي زنان و کودکان به عنوان ملک طلق مردان، پدران و همسران همچنان و به گونه‌اي فزاینده گسترش یافته و حمایت قانوني می‌شود. ایرانیان دریافته‌اند که آزادي هیچ انساني را نمی‌باید به دلیل عقیده‌اش نفی کرد. ایرانیان دریافته‌اند که ثروت‌هاي زیرزمینی و توان تکنیکی‌شان همچنان وسیله‌ي دست حاکمان اسلامي برای صدور تروریسم و ایجاد ناامني در جهان متمدن کنوني است. و در نهایت جوانان ایرانی در تداوم حکومت‌هاي عقیدتي، هیچ چشم اندازی برای دست یافتن به آزادي، رفاه، آسایش و امنیت ندارند.

بدین دلایل و هزارها نمونه و دلیل دیگر، من نادره افشاري، از میثاق پیشنه‌ادي رضا پهلوي به عنوان مبنای نخستین دست یافتن به آزادي، برابري حقوقي بین همه‌ي شهروندان و داشتن حکومتی غیر ایدئولوژیک و عرفي حمایت می‌کنم. با این پراتز که در میان پلاتفرم جريان‌هاي موجود در صحنه‌ي سیاسي ایران، هیچ جريانی را نیافته‌ام که با این صراحت بر حقوق شهروندی تمام ایرانیان - فارغ از جنسیت و قومیت و باور - تأکید داشته باشد. هیچ جريان مدعي جانشینی حکومت اسلامي را ندیده‌ام که به بدیهی‌ترین حق نیمی از ملت ایران، یعنی زنان ما باور داشته و از این نقطه برای دست یافتن به يك حکومت ملي/مردمي و عرفي با زیر ساخت برابري همه‌ي انسان‌ها حرکت کند. تمام کسانی که به هر دلیلی با این میثاق مخالفت می‌کنند، خود به نوعي مدعي نوعي حکومت اعتقادي و ایدئولوژیک هستند. هیچ کس را به این بهانه که فرزند فرد بخصوصي است، نمی‌توان از حق شرکت در سرنوشت هم‌میهنانش محروم کرد.

از نظر من دوران پادشاهي دو پهلوي، درخشان‌ترين دوران تاريخ معاصر ايران است. اين مقايسه را من با توجه به حكومت حاكمان قاجار در پيش از حكومت پهلوي‌ها و حكومت اسلامي حاكم بر ايران پس از ايشان انجام مي‌دهم. من به عنوان يك شهروند ايراني از تمام آزادي‌هاي موجود اجتماعي در اين ۵۸ سال حمايت مي‌كنم. با درس گرفتن از تجربه‌ي حكومت اسلامي و شوروي سوسياليستي، براي دست يافتن به تمام آزادي‌هاي تصريح شده در بيانیه‌ي جهاني حقوق بشر هم همچنان تلاش خواهم كرد. به اين گفته‌ي ماكس پلانك هم تا عمق جان باور دارم كه: در فيزيك وقتي يك نظريه‌ي جديد عرضه مي‌شود، معمولاً مخالفاني دارد؛ اما سرانجام اين نظريه قبول عام مي‌يابد، نه به اين سبب كه مخالفان اين نظريه مجاب شده‌اند؛ بلكه به آن سبب كه آنان پير شده و مرده‌اند!

نادره افشاري

۲۱ بهمن ماه ۱۳۸۱ (۱۰ فوریه ۲۰۰۳) - اروپا